

## میرزا اسدالله خان غالب: شاعر بزرگ فارسی

دکتر واصف احمد

در طول تاریخ روابط بین دو ملت بزرگ هند و ایران خیلی محکم، عمیق، غنی، صمیمانه، پُربار، شکوهمند و ناگسستنی بوده است. ما هر دو قوم هندی و ایرانی هم نژاد و هم لسان هستیم. روشن فکر عظیم و اولین نخست وزیر هند آقای پنندت جواهر لعل نهرو در تخلیق مایه ناز خود به عنوان کشف هند (Discovery of India) به سوی همین روابط محکم اشاره نموده است. اینجا به خوف طوالت از نقل قول صرف نظر می‌کنم. در هر زمان به ویژه در دوره مغول هند تبادلۀ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی بین هند و ایران به کثرت به وقوع می‌پیوست. بنابراین دانشمندان، شاعران و فنکاران در تعداد کثیر به هند هجرت کردند و در دربار شاهان علم دوست، علم‌پرور و هنرنواز مغول هند پناه گزیدند. از این رو در کشور سرسبز و شاداب و وسیع و پهناور هند زبان و ادب فارسی به سرعت رواج پیدا کرد و نثر و نظم خیلی گسترش یافت. بنابراین در صحنه ادبیات فارسی ادیبان و شاعران برجسته و نامور چون مسعود سعد سلمان، امیر خسرو، حسن سجزی، فیضی دکنی، نظیری نیشابوری، ظهوری ترشیزی، عرفی شیرازی، طالب آملی، صائب تبریزی، ملا حزین، ملا عبدالقادر بیدل، دکتر علامه اقبال و میرزا اسدالله خان غالب و غیره به ظهور آمدند.

در این مقاله کوتاه فقط شاعری فارسی میرزا اسدالله خان غالب مورد بحث و مباحثه قرار خواهد گرفت. غالب خیلی ذهین و حساس بود. گرچه او خودنمایی و خودستایی

---

♦ دانشیار بخش عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی بهاشابهون، دانشگاه وشوبهارتی، شانتی نکیتن، بنگال غربی، هند.

را نکوهش می‌کرد ولی خودشناسی را هیچ وقت عیب نمی‌دانست. او بر خودشناسی تاکید نموده درباره شخصیت ادبی خود چنین اظهار نظر می‌کند:

ای که راندی سخن از نکته‌سرایان عجم      چه به ما منت بسیار نهی از کم‌شان  
 هند را خوش نفسانند سخنور که بود      یاد در خلوت‌شان مشک فشان از دم‌شان  
 مومن و نیر و صهبایی و علوی وان‌گاه      حسرتی اشرف و آزرده بود اعظم‌شان  
 غالب سوخته جان گرچه نیرزد به شمار      هست در بزم سخن هم نفس و هم دم‌شان<sup>۱</sup>

غالب به هیچ وجه کمتر از دیگر شاعران فارسی نیست. چنانکه در اشعار مذکور بالا ملاحظه فرمودید که غالب خودش ادعا نموده است که او در بزم سخن همدم و هم‌نفس و هم‌پله شاعران عظیم فارسی هند بوده است.

### زندگی‌نامه

حالا نظری کوتاه به زندگی شاعر و فعالیت‌های ادبی او می‌اندازم. میرزا اسدالله بیگ خان معروف به میرزا نوشته مخاطب به نجم‌الدوله دبیرالملک نظام جنگ و متخلص به غالب از بطن عزت‌النساء بیگم در تاریخ بیست و هفتم ماه دسامبر سال ۱۷۹۷ میلادی<sup>۲</sup> در شهر آگره (اکبرآباد)، هند، توکد یافت.

### حسب و نیاکان غالب

غالب ترکی‌النسل بود. او خودش اعتراف می‌کند:

غالب از خاک پاک تورانیم      لاجرم در نسب فره‌مندیم  
 ترک زادیم و در نژاد همی      بسترگان قوم پیوندیم

اسم پدرش عبدالله بیگ خان عرف میرزا دولها بود. پدر بزرگ غالب میرزا قوقا بیگ خان ترک‌نژاد ایبک سردار بود. میرزا قوقا بیگ در عهد مغل شهنشاه شاه عالم ثانی<sup>۳</sup> از ماوراءالنهر<sup>۴</sup> (سمرقند) به هند هجرت کرد و در دهلی مستقل سکونت اختیار کرد.

۱. عابدی، سید تقی، کلیات غالب، جلد اول، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۱۴۳.

۳. جالبی، جمیل، تاریخ ادب اردو، جلد چهارم، حصه اول، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۳۹.

همین جا در دهلی پدر غالب میرزا عبدالله بیگ خان توگد یافت. بعداً عبدالله بیگ خان از دهلی به آگره هجرت کرد. نیاکان غالب وابسته به پیشه سپه‌گری بودند. عبدالله بیگ خان در لکنو و حیدرآباد بالترتیب در دربار آصف‌الدوله و نواب نظام علی خان نوکر بود. بالآخره او در جنگ در سال ۱۸۰۲ میلادی به قتل رسید. ازین رو غالب در سن پنج سالگی یتیم شد. او فارسی و عربی در حد ابتدایی در مکتب و خانه خواند.

غالب در سال ۱۸۱۰ میلادی در سن سیزده سالگی با دختر پانزده ساله موسوم به امراؤ بیگم، دختر نواب علی بخش خان ازدواج کرد. وفات غالب در تاریخ یازدهم فوریه سال ۱۸۶۹ میلادی در سن هفتاد و دو سال در دهلی اتفاق افتاد و نزدیک مزار حضرت نظام‌الدین اولیاء در پهلوی خسر خود نواب الهی بخش خان مدفون گشت.

بدون هیچ شک و تردید میرزا اسدالله خان غالب یکی از بزرگ‌ترین نثرنگاران و برجسته‌ترین شاعران فارسی هند قرن نوزدهم میلادی به شمار می‌رود. او نابغه روزگار بود. او در هر دو صنف نثر و نظم چیره‌دستی خود را نشان داده است. غالب خودش را با شاعران مشهور نظامی گنجوی و خاقانی شروانی مقایسه کرده است:

امروز من نظامی و خاقانیم به دهر دهلی ز من گنجه و شروان برابر است<sup>۱</sup>  
 خواجه الطاف حسین حالی، مصنف کتاب معروف «یادگار غالب» که یکی از مستندترین و معتبرترین منابع و مأخذ در تحقیقات غالب به شمار می‌رود، قدمی جلوتر رفته غالب را برابر شاعران قرون دوازدهم و سیزدهم هجری دانسته است:  
 الخوص فر علی . اسدالله خان . غاب . عظمت کی . ی ا ل . اس سے بالاتر تھاں . کو بارہویں یا  
 تیرہویں صدی تک کہ یہ ساعی و لپروار . ول میں شمار کیا جائے<sup>۲</sup>.

ترجمه: به خصوص میرزا اسدالله خان غالب که عظمتش بالاتر از آن است که او را از شاعران و انشاپردازان قرن دوازدهم یا سیزدهم هجری شمار کرد.  
 حالی در همین کتاب در جای دیگر می‌افزاید که در هندوستان رواج شاعری فارسی با شعر امیر خسرو شروع می‌شود و با شاعری غالب به اختتام می‌رسد.

۱. کرمانی، وارث‌ناب. کی فله کی امری، ص ۶۲.

۲. حالی، خواجه الطاف حسین، یادگار غالب، ص ۲.

نواب کاغذیہ الدین کی نسبت یہ قول تھا کہ ہندوستان میں فارسی سے یہ ماعری کی ابتدا ایک ترک لاجپن (یعنی امیر خسرو) سے ہوئی اور ایک ترک لاجپن کے (غالب) پر اس کا خاتمہ ہو گیا<sup>۱</sup>۔

ترجمہ: نواب ضیاء الدین نیر عقیدہ دارد کہ شعر فارسی ہند را یک ترک لاجپن (یعنی امیر خسرو) آغاز کرد و با یک ترک ایبک (میرزا غالب) خاتمہ پیدا کرد۔

در رباعی ذیل غالب خود بر شاعری خود می نازد:

گر ذوق سخن به دهر آیین بودی دیوان مرا شہرت پروین بودی  
غالب اگر این فن سخن دین بودی آن دین را ایزدی کتاب این بودی<sup>۲</sup>

محقق معروف عبدالرحمن بجنوری در مقالہ خود تحت عنوان «دیوان غالب جلدی» در مقدمہ نسخہ حمیدیہ نوشتہ است:

ہندوستان میں الہامی کتابیں دو ہیں۔ مقدس و ملاک اردو غالب<sup>۳</sup>۔

ترجمہ: در ہند دو کتاب الہامی وجود دارد۔ وید مقدس و دیوان غالب۔

### تصنیفات و تالیفات غالب (اردو و فارسی)

آثار غالب در ہر دو زبان، فارسی و اردو وجود دارد۔ ابتدا بہ بررسی آثار نظم و نثر اردو خواہم پرداخت۔

### آثار اردو (نظم)

#### دیوان غالب

دیوان غالب مرکب است از اشعار نغز و زیبا کہ در بیشتر اصناف سخن سرودہ شدہ است۔ دیوان غالب برای اولین بار در ماہ اکتبر سال ۱۸۴۱ میلادی<sup>۴</sup> زیر اہتمام مطبع سیدالاحبار بہ زیور طبع آراستہ شد و در همان دوران زندگی غالب برای بار پنجم بہ چاپ رسید۔ حتی امروز ہم کار چاپ دوبارہ جاری است۔ مؤسسہ غالب در دہلی در غالب شناسی کارہای نمایان انجام می دہد و بالخصوص دیوان غالب را بارہا بہ چاپ

۱. کلیات غالب، جلد اول، ص ۳۲۔

۲. همان، جلد دوم، ص ۸۵۲۔

۳. همان، جلد اول، ص ۲۶۔

۴. تاریخ ادب اردو، جلد چہارم، حصہ اول، ص ۹۶۔

رسانیده است. در ماضی قریب زیر اهتمام مؤسسه غالب دیوان غالب در سال ۱۹۹۷ و ۲۰۰۶ میلادی به زیور طبع آراسته شد.

### آثار اردو (نثر)

حالا آثار نثر در زبان اردو را معرفی می‌کنم.

۱. **عود هندی:** عود هندی مجموعه نثر است و شامل نامه‌ها، تقریظ‌ها و نمونه‌های متعدد نثر می‌باشد. برای اولین بار به وسیله ممتاز علی خان میرتهپی زیر اهتمام مطبع مجتبابی در تاریخ بست و هفتم اکتبر سال ۱۸۶۸ میلادی<sup>۱</sup> به چاپ رسید.
۲. **اردو معلی:** مجموعه نامه‌هاست که غالب در میان سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۵ میلادی به نواب‌های رامپور نواب یوسف علی خان و نواب کلب علی خان و دیگران نوشته بود.
۳. **گل رعنا:** غالب در کلکته به فرمایش دوست عزیز مولوی سراج‌الدین احمد<sup>۲</sup> کتابی مرکب از انتخاب اشعار فارسی و اردو به عنوان «گل رعنا» نوشت.
۴. **نکات غالب:** این رساله مختصر مشتمل است بر دستور زبان فارسی (علم صرف) و در زبان اردو نوشته شده است که کتاب درسی بود.
۵. **رقعات غالب:** رساله‌ای است مختصر شامل پانزده مکتوب فارسی منتخب شده از کتاب «پنج آهنگ» این کتاب درسی بود.
۶. **قادرنامه:** این رساله مختصر برای درس و تدریس به طرز خالق باری و آمدنامه نوشته شده بود. این رساله بارها به چاپ رسیده است. وجه تسمیه این است که اولین شعر کتاب با لفظ «قادر» شروع می‌شود به همین جهت «قادرنامه» نام گرفت.
۷. **نادرآت غالب:** مجموعه نامه‌های غالب است که به منشی نبی بخش حقیر اکبرآبادی نوشته شده است.
۸. **انتخاب غالب:** انتخاب غالب مرکب از دو بخش می‌باشد. جزو اول نامه‌ها، لطایف و چند نمونه نثر دارد و جزو دوم دارای اشعار متفرق می‌باشد.

۱. تاریخ ادب اردو، جلد اول، حصه اول، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۹۵.

۹. غالب‌نامه: نامه‌ای طویل است که غالب در جواب قاطع برهان نوشته بود.
۱۰. تیغ تیز: احمد علی احمد «مؤید برهان» نوشته بود که در جواب «قاطع برهان» غالب بود. غالب در رد «مؤید برهان» «تیغ تیز» نوشت.
- آثار فارسی در نثر: حالا به معرفی کوتاه آثار فارسی در نثر می‌پردازم.
۱. پنج آهنگ: پنج آهنگ مشتمل بر مصطلحات لغات فارسی، مکاتیب، القاب و آداب، تقاریض و اشعار منتخب می‌باشد. این کتاب در موضوع نامه‌نگاری خیلی مفید است. در قرن نوزدهم در هند به حیث کتاب درسی خیلی مقبول بود. این کتاب اولین بار در سال ۱۸۴۹ میلادی در مطبع سلطانی و دومین بار در سال ۱۸۵۳ میلادی در مطبع دارالسلام دهلی به چاپ رسید.
۲. مهر نیم روز: در تاریخ چهارم ژوئیه سال ۱۸۵۰ میلادی به خواهش شاه مغول بهادر شاه ظفر غالب برای نوشتن تاریخ خاندان تیموری به زبان فارسی مامور گشت. و قرار شد تاریخ عهد تیموری را از امیر تیمور گرفته تا عهد بهادر شاه ظفر به رشته تحریر درآورد. مهر نیم روز جزو اول همان تاریخ می‌باشد. به علت سقوط حکومت مغول نوبت نوشتن بقیه کتاب نرسید. این کتاب در سال ۱۸۵۴ میلادی در مطبع فخرالمطابع به چاپ رسید.
۳. دستنبو: «دستنبو» مشتمل است بر احوال انقلاب آزادی هند که در سال ۱۸۵۷ میلادی رخ داد. در تاریخ هند همان انقلاب به نام «بغاوت سال ۱۸۵۷ میلادی» مشهور گشت. غالب در این روزنامهچه احوال سیاسی هند از آغاز شورش ماه مه ۱۸۵۷ میلادی گرفته تا سی و یکم ژوئیه سال ۱۸۵۷ میلادی را درج کرده است. ازین رو «دستنبو» منبع دست اول تاریخ هند جدید به شمار می‌رود. این کتاب در ماه نوامبر سال ۱۸۵۸ میلادی به چاپ رسید.
۴. قاطع برهان: قاطع برهان در موضوع لغت فارسی است. محمد حسین تبریزی برهان قاطع نوشته بود. غالب برهان قاطع محمد حسین تبریزی را شدیداً مورد تنقید و نقد قرار داد و کتابی به عنوان «قاطع برهان» به رشته تحریر درآورد. قاطع برهان زیر اهتمام نول‌کشور در سال ۱۸۶۲ میلادی به چاپ رسید.

۵. **درفش کاویانی:** غالب در قاطع برهان مطالب جدید اضافه کرد و آن را تحت عنوان درفش کاویانی به رشته تحریر درآورد. در اصل درفش کاویانی نظر ثانی شده قاطع برهان است.

**آثار فارسی در نظم:** حالا به معرفی کوتاه آثار فارسی در نظم می‌پردازم.

۱. **کلیات فارسی:** غالب دیوان فارسی را در سال ۱۸۳۵ میلادی مرتب کرده بود ولی ده سال بعد به چاپ رسید. چاپ اول کلیات فارسی در سال ۱۸۴۵ میلادی به اهتمام ضیاءالدین احمد خان نیر درخشان در مطبع دارالسلام دهلی اتفاق افتاد و دومین بار در سال ۱۸۶۳ میلادی در مطبع نول‌کشور به چاپ رسید.

۲. **سبد چین:** سبد چین مشتمل است بر قصائد، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعات، غزلیات و رباعیات. سبد چین مجموعه کلام فارسی است که پس از انتشار دیوان غالب تخلیق شده بود.

۳. **باغ دو در:** جزو اوّل کتاب دارای اشعار متعدد شامل مثنوی «ابر گهربار» می‌باشد و حصه دوّم چند نمونه نثر دارد. در اصل این کتاب دارای تخلیقات نظم و نثر است که در دیوان و کلیات شامل نشده بودند.

۴. **دعای صباح:** دعای صباح دعایی است که به حضرت علیؑ منسوب است. غالب همان دعا را در قالب مثنوی منظوم ترجمه کرده است.

۵. **ماثر غالب:** ماثر غالب مجموعه نامه‌های غالب است که به دوستان در کلکته و دهاکه و غیره نوشته بود. محقق نامور قاضی عبدالودود ماثر غالب را به زیور طبع آراسته کرده است.

۶. **متفرقات غالب:** متفرقات غالب مرکب است از نامه‌های فارسی، چند اشعار غزل و چند اشعار متفرق شامل مثنوی «بادِ مخالف».

## ویژگی‌های شاعری فارسی غالب

حالا نگاهی کوتاه به ویژگی‌ها و خصایص شاعری فارسی می‌افکنم. غالب از کودکی خیلی حساس و ذهین بود. او در سن دوازده سالگی<sup>۱</sup> شعر سرودن را آغاز کرده بود. شاعری فارسی غالب را می‌توان به بخش‌های ذیل تقسیم کرد: غزلیات، مثنویات، قصائد، رباعیات و قطعات و غیره. چون در فوق ذکرش رفت که غالب تقریباً در تمام اصناف سخن چون غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، مرثیه، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مخمس و غیره طبع آزمایی کرد و در هر صنف سخن تبحر خود را به نحو احسن و اکمل ابراز نموده است. چنانکه به نظرم می‌رسد غالب دواوین و کلیات اغلب شاعران متقدمین و معاصرین را مطالعه و از آنها استفاده کرده باشد ولی باز هم با وثوق و یقین کامل می‌توان گفت که او از کسی تقلید نکرده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که وی از تقلید احتراز کرده است و مقلد کسی نبود بلکه راهی نو گشود. علامه اقبال هم از تقلید گریز کرده است:

تقلید کی سے، . اکارہ نہ کرا پئی خودی کو کر اس کی حفاظت کہ یہ گوہر یگانہ<sup>۲</sup>

اقبال در تخلیق مایه ناز خود «بانگ درا» تحت عنوان «مرزا غالب» در تعریف و توصیف غالب رطب‌اللسان است.

در کلام غالب اسمای شاعران متقدم مانند مسعود سعد سلمان، عرفی شیرازی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، انوری، سعدی شیرازی، سلمان ساوجی، طالب آملی، ظهورسی ترشیزی، نظیری نیشابوری، حافظ شیرازی و امیر خسرو دهلوی و غیره به میان آمد و از کلام آنها استفاده شده است ولی سبک شاعری غالب جدا و ممیز از دیگران می‌باشد. غالب درباره عظمت شاعری خود پیش‌گویی کرده بود که بعد از مرگش عظمت او بالاتر خواهد بود. او می‌گوید:

کو کبم را در ابد اوج قبولی بوده است شهرت شعرم به گیتی بعد من خواهد شدن

در جای دیگر گوید:

۱. تاریخ ادب اردو، جلد اول، حصه اول، ص ۴۳.

۲. اقبال، علامه محمد، کلیات اقبال، بانگ درا، ص ۶۳۰.



تا ز دیوانم که سرمست سخن خواهد شدن / این می از قحط خریداری کهن خواهد شدن  
 او می افزاید:  
 همچو من شاعر و صوفی و نجومی و حکیم / نیست در دهر قلمم مدعی و نکته گو است  
 او افزوده است:

میں عنذلیب ، ما آفرمه ہوں

گاهی غالب خودش را با نظامی گنجوی و خاقانی شروانی مقایسه می کند:  
 امروز من نظامی و خاقانیم به دهر / دهلی ز من گنجه و شروان برابر است  
 او خودش به تعریف و توصیف شاعری فارسی خود رطب اللسان به نظر می رسد:  
 فارسی بین تا ببینی نقش های رنگ رنگ / بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ من است

\*

فارسی بین تا بدانی کاندراقلیم خیال / مان و ارژنگم و آن نسخه ارتنگ من است  
 به حق غالب در هند شاعر بزرگ فارسی قرن نوزدهم میلادی محسوب می شود.

### موضوعات شاعری

مضامین مهم چون فلسفه، حکمت، مذهب، تصوف، زهد و تقوی، عناصر عشق، نظریه حسن و عشق، انسان دوستی، وطن پرستی، منظرکشی، تعریف و توصیف مناظر قدرت، طنز و مزاح، مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره در آثارش خواه نظم باشد یا نثر به کثرت به چشم می خورد.

### نمونه وطن دوستی

در این شکی نیست که غالب وطن دوست بود. اشعار قابل توجهی در موضوع وطن دوستی و ملی گرایی در کلیاتش موجود هستند. اینجا به طور نمونه فقط به نقل بعضی از اشعارش اکتفا می کنم. ملاحظه بفرمایید. او به توصیف دریای سوهن بنگاله پرداخته آن را با بوی جوی مولیان بابای شعر فارسی رودکی مقایسه کرده است:

خوش تر بود آب سوهن از قند و نبات / با وی چه سخن ز نیل و جیحون و فرات  
 رودکی سمرقندی می گوید:

بوی جوی مولیان آید همی / بوی یار مهربان آین همی

آب جیحون و نشاط روی دوست      خنک ما را تا میان آید همی  
 غالب انبۀ بنگاله را مورد ستایش قرار می‌دهد:  
 گر همه میوه فردوس به خوانت باشد      غالب آن انبه بنگاله فراموش مباد  
 شاعر به فصل‌های سال و اماکن مهم هند چه خوش عقیده دارد:  
 چه فروردین چه دی و چه مرداد      به هر موسم فضایش جنت آباد  
 شاعر در توصیف بعضی از شهرهای مهم هند مانند دهلی، عظیم‌آباد و کلکته چنان  
 به جنب و جوش می‌پردازد که انگار از آنها عشق و محبت وطن دوستی می‌چکد:  
 گفتم اکنون بگو که دهلی چیست      گفت جان است و این جهانش تن  
 گفتم اش چون بود عظیم‌آباد      گفت رنگین‌تر از فضای چمن  
 حال کلکته باز جستم، گفت      باید اقلیم هشتمش گفتن

#### نمونه عشق و محبت

شاعر در شعر ذیل جذبه عشق و محبت را ابراز نموده است:  
 وداع و وصل جداگانه لذتی دارد      هزار بار برو صد هزار بار بیا<sup>۱</sup>  
 در کلام او مسایل تصوف نیز به کثرت به چشم می‌خورد. او ضمن صحبت از  
 مسایل تصوف روش طنز و مزاح بکار برده است:  
 یہ مسایل تصوف یہ ترا بیا غائب      تجھے ہم ولی، جو نہ بادہ خوار ہو، یا<sup>۲</sup>

#### اصناف سخن

چنانچه در صفحات گذشته ذکرش رفت غالب کم و بیش در تمام اصناف سخن طبع آزمایی کرده است. حالا به آنها نگاهی گذرا خواهیم انداخت تا بتوان مقام شاعری او را متعین کرد.

#### غزل

در کلیات اشعار غزلیات در تعداد قابل توجهی موجود هست. او در غزل‌گویی نیز مهارت تام دارد و طرز نگارش جداگانه می‌باشد. همین طرز نگارش خاص در شناخت

۱. نبی هادی، مغلوں کے ملک الشعراء، ص ۳۳۳.

۲. یادگار غالب، ص ۱۶۰.

و تشخیص غالب نقش ایفا می‌نماید. او مسلم‌الثبوت غزل‌گو شاعر است و در این فن مهارت کامل دارد. مشاهدات خیلی محکم و پرواز تخیل غالب خیلی بلند است. به طور نمونه اشعار ذیل را ملاحظه بفرمایید:

بیا که قاعدهٔ آسمان بگردانیم	قضا به گردش رطل گران بگردانیم
به گوشه‌ای بنشینم و در فراز کنیم	به کوچه بر سر ره پاسبان بگردانیم
اگر ز شحنه بود گیر و دار نندیشیم	وگر ز شاه رسد ارمغان بگردانیم
اگر کلیم شود هم زبان سخن نکنیم	وگر خلیل شود میهمان بگردانیم
گل افکنیم و گلابی به ره گزر پاشیم	می آوریم و قدح در میان بگردانیم
به جنگ باج ستانان شاخساری را	تهی سبد ز در گلستان بگردانیم
به صلح بال فشانان صبح گاهی را	ز شاخسار سوی آشیان بگردانیم
به من وصال تو باور نمی‌کند غالب	بیا که قاعدهٔ آسمان بگردانیم

مصلح قوم و مبلغ عظمت انسانیت علامه اقبال هم همین افکار و عقاید را در قالب شعر گنجانیده است:

تو شب آفریدی چراغ آفریدم	سفال آفریدی ایاغ آفریدم
بیابان و کهسار و راغ آفریدی	خیابان و گلزار و باغ آفریدم
من آنم که از سنگ آینه سازم	من آنم که از زهر نوشینه سازم

### نمونه اشعار تصوف

گرچه غالب با خانقاه و پیر و مرشد سروکار نداشت باز هم از اشعارش می‌توان با وثوق کامل گفت که او شاعر صوفی منش و رازدار معرفت الهی بود:

شعر غالب نبود وحی و نگوییم ولی نور یزدان نتوان گفت که الهامی نیست  
او مبلغ اقدار تصوف به نظر می‌رسد و مسایل تصوف را به کثرت در کلام خود گنجانیده است. به طور نمونه چند شعر در ذیل نقل می‌شود:

دولت به غلط نبود از سعی پشیمان شو کافر نتوانی شد ناچار مسلمان شو  
او می‌گوید:

ماییم و ذوق سجده چه مسجد چه بت‌کده در عشق نیست کفر ز ایمان شناختن

او می‌افزاید:

ز من حذر نکنی گر لباس دین دارم    نهفته کافر و بت در آستین دارم  
غالب بر آن است که برای حصول معرفت و عشق الهی بشر دوستی شرط اول  
است. در اشعار ذیل جذبه عشق را ابراز نموده است:  
یاد در عهد شبابم به کنار آمد و رفت    همچو عیدی که در ایام بهار آمد و رفت

\*

نخواهم از صنف حوران ز صد هزار یکی    مرا بس است ز خوبان روزگار یکی  
خصایص غزل‌گویی چون ندرت خیال، مضمون‌آفرینی، شوخی و ظرافت و غیره  
در اشعارش به وضوح روشن است.

### مثنوی

غالب در صنف مثنوی نیز دست داشت. در اشعارش خصایص مثنوی شامل  
واقع‌نگاری، حسن ترتیب، کردارنگاری، جذبات‌نگاری به کثرت به چشم می‌خورد.  
عناوین مثنویات عبارتند از: سرمه بینش، درد و داغ، چراغ دیر، رنگ و بو، باد مخالف،  
نموداری شان نبوت، تهنیت عید شوال، در تهنیت عید به ولی عهد، پیش لفظ کتاب  
بادشاه به عنوان بست و هفت اختر، تقریظ آیین اکبری تصحیح سر سید احمد خان و  
مثنوی ابر گهربار.

### ۱. سرمه بینش

اولین مثنوی تحت عنوان «سرمه بینش» به پیروی مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی  
در بحر رمل<sup>۱</sup> مسدس در مدح بهادر شاه ظفر، آخرین شاه مغول، سروده شده است.  
اشعار مطلع و مقطع به قرار ذیل است. مطلع:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند    از جدایی‌ها شکایت می‌کند

مقطع:

بر دعای شه سخن کوتاه باد    تا خدا باشد بهادر شاه باد  
در تشبیه مثنوی مذکور مسایل عشق و تصوف مورد بحث و مباحثه قرار گرفته است.

۱. کلیات غالب، جلد اول، ص ۷۹.

## ۲. درد و داغ

دوّمین مثنوی به عنوان «درد و داغ» دارای قصه جالب راجع به کشاورز مفلس و نادار می‌باشد و با مطلع ذیل آغاز می‌شود:

بی‌ثمری برزگری پیشه داشت      در دل صحرای جنون ریشه داشت  
و با مقطع زیر به اختتام می‌رسد:  
عالم تقدیر چنین است و بس      حاصل تحریر من این است و بس

## ۳. چراغ دیر

سوّمین مثنوی موسوم به «چراغ دیر» که مرکب است از یک صد و هشت<sup>۱</sup> شعر، در سال ۱۸۲۷ میلادی<sup>۲</sup> در تعریف و توصیف شهر قدیم بنارس به رشته تحریر درآورده شد. در این مثنوی حسّ زیبایی‌شناسی شاعر به اوج کمال رسیده است. چون ما می‌دانیم غالب دوران سفر کلکته برای مدتی کوتاه در شهر بنارس اقامت گزیده بود. بنارس یکی از قدیم‌ترین مراکز فرهنگی، مذهبی و ادبی هند به شمار می‌رود. صبح بنارس و منظر طلوع خورشید در کنار رود گنگ خیلی مشهور و دیدنی است. علاوه بر مضامین دیگر مثنوی‌نگار در این تخلیق مایه‌ناز نقشه صبح بنارس، منظره طلوع خورشید، منظره حمام گرفتن دختران زیبای بنارس به وقت صبح در کنار رود گنگ، آب و هوای خوشگوار، کوچه‌ها، چراغ‌های روشن معبدهای بنارس و غیره را چه خوب تصویرکشی کرده است. او مبالغه‌آرایی می‌کند و قدمی جلوتر رفته شهر بنارس را به نام بهشت، فردوس، کعبه هندوستان و چین تعبیر کرده است. جذبات و احساسات وطن دوستی شاعر را می‌توان در اشعار ذیل مشاهده و احساس کرد:

بنارس را کسی گفتا که چین است      هنوز از گنگ چینش بر جبین است  
تعالی الله بنارس چشم بد دور      بهشت خرم و فردوس معمور  
عبادت خانه ناقوسیان است      همانا کعبه هندوستان است

۱. کلیات غالب، جلد اول، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۸۰.

**۴. رنگ و بو**

مثنوی «رنگ و بو» که در سال ۱۸۲۷ میلادی به نظم کشیده شد خیلی نصیحت‌آموز است و مضامین مهم مانند توکل علی الله، احتراز از حرص و هوس، کناره‌کشی از ماده‌پرستی و رجوع به عشق الهی و غیره در این مثنوی موجود است. به طور نمونه اشعار مطلع و مقطع در ذیل نقل می‌شود. مطلع:

بود جوان دولتی از خسروان      غازه کش عارض هندوستان

مقطع:

از اثر سطوت حق در کلام      حرف ز لب میر مدح و السلام

**باد مخالف**

غالب مثنوی «باد مخالف» را در دوران اقامت کلکته در سال ۱۸۲۸ میلادی تصنیف کرد. در مشاعره‌ای در مدرسه عالی کلکته منعقد شده بود، بعضی از طرفداران قتیل دو شعر غالب را مورد تنقید قرار داده بودند و قتیل را شاعر بزرگ فارسی به حساب آورده بودند. غالب ضمن دفاع خود به تشریح و توضیح موقف خود می‌پردازد:

ای سخن‌پروران کلکته	وی زبان آوران کلکته
دعوی بنده بی‌سر و بن نیست	شعر بیدل به جز تفنن نیست
گرچه بیدل ز اهل ایران نیست	لیک همچو قتیل نادان نیست
کاین زبان خاص ایران است	مشکل ما و سهل ایران است

**۶. مثنوی نموداری شان نبوت**

چنانچه از عنوان مثنوی پیداست شاعر در شان نبوت خاتم‌النبین صلی الله علیه و آله و سلم به نظم کشیده است:

منشاء ایجاد هر عالم یکی‌ست      گر دو صد عالم بود خاتم یکی‌ست

**۷. مثنوی تهنیت عید شوال**

هفتمین مثنوی «تهنیت عید شوال» مبنی بر تعریف و توصیف شاه مغول بهادر شاه ظفر است.

**۸. مثنوی در تهنیت عید به ولی عهد**

شاعر در هشتمین مثنوی «در تهنیت عید به ولی عهد» به مدح سرایی ولی عهد مرزا فتح

ملک پرداخته است.

#### ۹. پیش لفظ «بست و هفت اختر»

نهمین مثنوی در اصل پیش لفظ کتاب معروف بادشاه اود تحت عنوان «بست و هفت اختر» است.

#### ۱۰. تقریظ آیین اکبری تصحیح سر سید احمد خان

مصلح قوم و دانشمند عظیم سر سید احمد خان آیین اکبری ابوالفضل علامی را تصحیح و تدوین کرده بود. تقریظ این اثر به وسیله غالب در قالب مثنوی نوشته شد.

#### ۱۱. مثنوی ابر گهربار

طویل‌ترین مثنوی غالب «ابر گهربار» مرکب از هزار و یک صد شعر است و منقسم به عناوین ذیل می‌باشد: حمد، مناجات شامل یک قصه، ذکر معراج، منقبت، مغنی‌نامه و ساقی‌نامه. حمد با مطلع ذیل آغاز می‌شود:

سپاس کز و نامه نامی شود سخن در گزارش گرامی شود

#### قصیده‌نگاری

غالب در فن قصیده‌نگاری هم نقش مهمی ایفا نموده است و بر این فن می‌نازد. خواجه الطاف حسین حالی مصنف کتاب مشهور «یادگار غالب» بر آن است که از لحاظ کمیت و کیفیت قصیده ممتازترین صنف شاعری غالب به شمار می‌رود.

قصیده‌نگار در این صنف به اتباع سبک سلمان ساؤجی، ظهیر فاریابی، عرفی شیرازی و نظیری نیشابوری در مدح پادشاهان دهلی و اوک و حکمرانان انگلیسی چون شاه مغول بهادر شاه ظفر، شاه اوک نصیرالدین حیدری و ملکه وکتوریه و غیره قصیده‌سرایی کرده است. در قصایدش حمد، مناجات، نعت و منقبت و کل اجزای ترکیبی شامل تشبیب، مدح و حسن طلب و غیره مورد توجه خصوصی قرار می‌گیرد. او در تشبیب قصیده‌ای مخاطب به شاه مغول بهادر شاه ظفر می‌گوید:

گفتم حدیث دوست به قران برابر است نازم به کفر خود که به ایمان برابر است

او در مدح ملکه حکومت انگلیسی قصیده سروده است:

کنون تو شاهی و من مدح گو تعال تعال گذشت دور نظیری و عهد اکبر شاه

او در مدح شاه اوّد نصیرالدین حیدر با جنب و جوش زیاد اظهار عقیدت پیش کرده است:

هم‌زا سمت که دهد نصرت دین حیدر      صفت ذات تو دانستم و نازان رفتم  
چون شنیدم که ترا نایب مهدی گویند      بهر تسکین به طلبگاری برهان رفتم

### رباعی

غالب در رباعی‌گویی تبحر داشت و در موضوعات متفرق شعر سروده است. به طور نمونه رباعی ذیل ملاحظه بفرمایید:

غالب اراده موحّد کیشم      بر پاکی خویشتن گواه خویشم  
گفتی به سخن به رفتگان کس نرسد      از باز پسین نکته‌گذاران پیشم

### قطعات

غالب قطعات مختلف شامل مسایل زندگی روزمره، تصوف، نکات ادبی، علم عروض، حسب و نسب خود و زبان‌شناسی و غیره سروده است. او در یک قطعه زبان اردو را زبان مادری خود دانسته است:

ای که میراث خوار من باشی      اندر اردو که آن زبان منست  
در بعضی قطعات حکمران برطانیه را مورد نکوهش قرار داده است و در بعضی از آنها به تردید اتهامات خود پرداخته است. در قطعه زیر بر ترک بودن خود اعتراف می‌کند:

غالب از خاک پاک تورانیم      لاجرم در نسب فره‌مندیم  
ترک زادیم و در نژاد همی      بسترگان قوم پیوندیم

### ترکیب‌بند

پوشیده‌نماند که در کلیات غالب اشعار در قالب ترکیب‌بند در تعداد کثیر وجود دارد. یک ترکیب‌بند مختص به مرثیه پسر بهادر شاه ظفر شاهزاده فرخنده شاه، می‌باشد. در این اشعار جذبات و احساسات غم و الم را به شدت اظهار کرده است.

### خلاصه کلام

به طور کلی می‌توان گفت که زمانی که غالب می‌زیست زمان انقلابات تاریخی و تحولات اجتماعی بود. چنانکه ما دیدیم غالب به گوشه و کنار زندگی روزمره مردم



نگاہ عمیق می‌انداخت و مشاهدات، تجربیات، احساسات، جذبات و تخیلات خود را در اشعار نغز و زیبا در هر صنف سخن به نحو احسن و اکمل نشان داده است. ناگفته نماند غالب در نثرنویسی هم چیره‌دستی خود را ابراز نموده است. بقول غالب:  
حاصل تحریر من این است و بس

### مآخذ

۱. اقبال، علامه محمد، کلیات اقبال، بانگ درا، ایجوکیشنل بک ہاؤس، مسلم یونیورسٹی مارکیٹ، علی‌گر، ۲۰۰۱ م.
۲. جالبی، جمیل، تاریخ ادب اردو، جلد اول و چهارم، حصہ اول، ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس، دہلی، نو، ۲۰۱۳ م.
۳. حالی، خواجہ الطاف حسین، یادگار غالب، انسٹیٹوی غالب، دہلی، نو، ۱۹۹۶ م.
۴. عابدی، سید تقی، کلیات غالب، جلد اول، انسٹیٹوی غالب، دہلی، نو، ۲۰۰۸ م.
۵. کرمانی، ولولہ، کی فارسی، اعری، انسٹیٹوی غالب، دہلی، نو، ۲۰۰۱ م.
۶. نبی ہادی، مغلوں کے ملک الشعراء، شبستان، الہ آباد، ۱۹۷۸ م.